بررسي زندگي امام حسين عليه السلام از ولادت تا شهادت

نویسنده: نسرين اميرپور

## مقدمه‌

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اي گشته فلك منور از رأي حسين |  | افتاده ملك چو سايه در پاي حسين |
| ‌شد رنگ قمر عارض زيباي حسين |  | طوبي خجل از قامت رعناي حسين |
| اي گشته عيان بنزد اقبال حسين |  | دانسته زقول نبوي حال حسين |
| ‌خواهي كه خداوند تو را دارد دوست |  | ر دل جا ده محبت آل حسين‌ |

ملل پيشرفته جهان ملتي هستند كه براي آينده‌شان از گذشته سرمشق گيرند و مسير بزرگان آباء و اجداد و اقوام خود را انتخاب كنند تا به مطلوب خود برسند. ملت رستگار آن است كه اخبار تاريخي ـ ملي خود را حفظ و در آن سير كند تا به سرحد كمال نائل گردد.جالب‌ترين صفحات اوراق گذشته تاريخ شرح حال رجال و پيشوايان جامعه بشري است كه براي سعادت خانواده يا ملت خود قيام كرده و گام‌هاي بلند برداشته و باخطرات خانمان برافكن مبارزه كرده‌اند و در نتيجه نسل آينده و اخلاف آن‌ها از اين‌مجاهدت براي پيشرفت و ارتقاء فردي و جمعي استفاده نموده‌اند. بهره‌گيري از سيره‌بزرگان سنت بشري است كه هر قوم و ملتي آداب و عادات حركات و سكنات كردار وگفتار بزرگان خود را به عمل گذاشته و به صورت شئون ملي و رسوم اجتماعي درآورده‌است پس مجموعه انديشه و گفتار و كردار بزرگان يك قوم آداب مليت و شئون قوميت‌آن جامعه را تشكيل مي‌دهد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هركه ناموخت از گذشت روزگار |  | هيچ ناموزد زهيچ آموزگار |

## ميلاد سيدالشهداء

اشعه آفتاب وجود مبارك «با سوابقي كه جبرئيل به پيغمبر خدا از مولود او خبر داده بود» روز پنج شنبه سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدينه از مشرق دامان فاطمه زهرا عليها‌السلام در خانه اميرالمؤمنين عليه‌السلامپرتو افكن گرديد. او دومين ثمره پيوند فرخنده علي عليه‌السلامو حضرت فاطمه عليها‌السلام بود.حسين بن علي عليه‌السلامدر دوران خود به شجاعت و آزادگي و ايستادگي در برابر ستم شهرت داشت ميلادش مانند زندگاني و شهادتش شگفت‌انگيز است حضرت در مدت زندگي خود در كنار جدش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله

با آن حضرت مأنوس بوده و حتي وقت نماز از آن حضرت جدا نمي‌شد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهسخت به او و برادرش اظهار علاقه كرده و با جملاتي كه درباره آنها فرمودند، گوشه‌اي از فضايل آنها را براي اصحاب بازگو كردند. اكنون در آثار حديثي شمار زيادي فضيلت براي امام حسين عليه‌السلامنقل شده كه بسياري از آنها نظير حديث «الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنه متواتر بوده و يا فراوان نقل شده است بعد از تولد حسين عليه‌السلامبي‌درنگ او را كه شش ماهه به دنيا آمده بود، به حضور پيغمبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهبردند. به اتفاق تمام مورخان رسول خدا كام كودك را با آب دهان خود برداشت و زبان در دهان او گذاشت و او را از شيره جان خود سيراب كرد و فرمود: «حسين مني و انا من حسين و آن طور كه ميل داشت حسين را پرورش داد و تربيت كرد تا بزرگ شد. ابن اثير مي‌نويسد: در زمان تولد امام حسين عليه‌السلامرسول خدا عليه‌السلامدر گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و اسراري را به گوش او خواند و اماناتي به او تحويل داد. حسين هم اسرار و امانت جدش را بهتر از هر كس حفظ كرد و به عمل گذاشت در مسير تاريخ سه نفر شش ماهه به دنيا آمدند.آنچه از تاريخ به دست مي‌آيد، سه نفر شش ماهه به دنيا آمده‌اند:يحيي بن زكريا، عيسي بن مريم و حسين بن علي عليه‌السلامعالمان طبيعي اروپا از روي موازين علمي تكامل ثابت كرده‌اند كه جنين آدمي شش ماهه كامل نمي‌شود و زيست نمي‌كند. هر مولود شش ماهه ناقص الخلقه مي‌شود؛زيرا مقدار تكامل سلول‌هاي او به حد زيست نرسيده و مي‌گويند هر مولودي بايد كمتر از 2500 گرم وزن نداشته باشد و حد كمال جنيني او در نه ماهگي است و حال آن كه حسين شش ماهه به دنيا آمد و اين قول مورد انفاق فريقين است و از نظر صورت و سيرت هم زيباترين و كامل‌ترين افراد بشر بود. نه تنها نقصي در او ديده نشد بلكه به كمال جسماني و رشد كامل روحاني خود رسيد. قيام عاقلانه و حكيمانه او مثل اعلاي كياست و سياست و نشانه جرئت بود. نبايد حساب زندگاني ابي عبدالله را با ساير مردم عادي مقايسه نمود.حسين مرد آسماني بود و از آب و خاك‌ِ ديگر عجين شده و نشو و نما يافته و سير فكري اوباعث نجات بشر از نابخردي است ابن شهر آشوب مي‌نويسد: پس از تولد حسين فاطمه مريض شد و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهدايه خواست حسين از پستان احدي شير نخورد مگر آن كه چهل شبانه روز از انگشت و زبان پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله تغذيه كرد تا بزرگ شد.

## دوران كودكي سيدالشهداء

امام حسين عليه‌السلام تا هفت سالگي زير نظر مقام نبوت و رسالت سايه‌وار حركت مي‌كرد و در كنار مهد عصمت و طهارت بود. تا سي و هفت سالگي در حجر ولايت مطلقه الهيه پدرش و تا چهل و هشت سالگي در كنار مهر و عاطفه امامت برادرش حضرت مجتبي عمر گذرانيده و يازده سال هم دوره امامت و ولايت مطللقه خود او بود. بنابراين دوران‌ِ كودكي و جواني كمال و امامت او در مهبط نزول وحي و مهد عصمت و دامان ولايت و ساحل امامت و مكتب ولايت ادامه داشته تا عاشورا كه سن او پنجاه و هفت سال سال وهفت ماه بود.در تربيت حسين اسرار شرافت پاكيزگي فضيلت سعادت سيادت شهامت شجاعت استقامت و پافشاري در راه دين عزت و حميت حفظ ناموس و حقوق ديگران دستگيري از بينوايان احقاق حق مستمندان تسليم نشدن و زير بار زور نرفتن طرفداري از حق و حقيقت نهفته است سجايايي كه حسين از جد و پدر و مادرش به ارث برد براي احدي امكان‌پذير نبود.در پرورشگاه محمدي شخصيت حسين عامل مؤثري در احياء شريعت اسلام بود و مثل اعلاي درس فضيلت و اخلاق گرديد.دوستي حسين براي پيغمبر نه تنها از راه عاطفه فرزندي بود، بلكه براي سفارشاتي بود كه از زبان وحي گرفته و حسين را سبب‌ِ جاودانگي و استمرار رسالت و نبوت خود شناخت حسين احياگرِ مجد و عظمت اسلام و سبب ابقاء حيات اجتماعي مسلمين براي هميشه گرديده و نقش او فراموش شدني نيست

## حسين و نسب‌

امام حسين از حيث نسب ممتازترين انسان است زيرا جدش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مادرش فاطمه زهرا، پدرش علي مرتضي برادرش حسن مجتبي خواهرش زينب كبري و همسرش دختر يزدگرد پادشاه ساساني است و اين نسب براي احدي نيست

## حسين و صورت و سيرت‌

خواند مير از شواهد النبوه نقل مي‌كند كه امام حسين عليه‌السلامصورتي زيبا و جمالي منور داشت كه چون در خانه تاريك مي‌نشست از سفيدي رخسار مباركش محيط اطراف روشن مي‌شد و همه مي‌دانستند امام حسين عليه‌السلاماست حسين بن علي شخصاً داري مزايايي بود كه ديگران فاقد آن بودند و سرتاسر زندگيش عجيب بود؛ يكي آن كه شش ماهه به دنيا آمد و ديگر آن كه شهادتش بي‌نظير بود. در قيام خونين او بسياري از كلمات عملاً ترجمه شد كه اگر حسين عليه‌السلامنبود اين كلمات معنا نمي‌شد: عشق و اراده و صبر و فداكاري از جمله آن موارد است سالار شهيدان در حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستي درستي عبادت فراست و ذكاوت شجاعت و شهامت آزادي و سعادت فداكاري و گذشت اميدواري و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلك صبر و بردباري سياست ملي و مظلوميت اجتماعي داراي نبوغ فكري بود. اين كلمات را چنان معنا كرد كه تاكنون كسي چنين معنا نكرده است امام حسين عليه‌السلامسرباز با شخصيت و فداكار اسلام است كه درس آزادي و فداكاري و مجد و عظمت را به مسلمين آموخت و در صورت و سيرت بي‌نظير و ممتاز بود.

## حسين بر دوش پيغمبر

شيباني از عبدا.. بن شداد روايت مي‌كند كه پدرش گفته در يكي از اوقات نمازهاي جماعت خدمت پيغمبر بودم ايشان حسن و حسين را بر دوش خود سوار كرده بود و چون نزديك شد، آنها را بر زمين گذاشت آن گاه براي نماز جماعت تكبير گفت هنگام سجود خيلي طول كشيد. من سر خود را بلند كردم ديدم حسين بر پشت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهسوار شده من دوباره به سجده رفتم چون نماز تمام شد، بعضي گفتند: يا رسول الله ميان دو سجده آنقدر طول دادي كه ما گمان كرديم امري حادث شده و يا وحي بر تو نازل شده فرمود: هيچ كدام از آنها نبود، فقط پسرم حسين سوارم شده بود و من نخواستم او را پايين آورم صبر كردم تا خود فرود آيد.ابوسعيد خدري روايت كرده كه حسين را ديدم دوان دوان نزد پيغمبر آمد. رسول خدا نماز مي‌خواند و حسين به گردنش آويخت و پيغمبر با دست او را گرفت و تا به ركوع رفت او را نگاه داشت بخاري از ابوهريره نقل مي‌كند كه حسين و حسن نزد پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهو در دامان مهر و عطوفت او بودند كه هوا تاريك شد. پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود برويد به حجره مادرتان گفتند تاريك است ما مي‌ترسيم ناگاه نوري ظاهر شد يا برقي زد و فضا را روشن كرد. حسنين به خانه مادر رفتند.ابو عمر بن عبدالله قرطبي نقل مي‌كند كه با چشم خود ديدم پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهحسين را صدا مي‌كرد و او از دامان رسول الله بالا مي‌رفت آن گاه دهان حسين را مي‌بوسيد و مي‌گفت خدايا من حسين را دوست دارم تو نيز او را دوست دار.

## حسين و فدايي شدن ابراهيم‌

در ترجمه المستقصي نقل كرده‌اند كه پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهامام حسين را بر زانوي راست و ابراهيم را بر زانوي چپ خود نشانيده بود كه جبرئيل نازل شد و گفت خدايت سلام مي‌رساند و مي‌فرمايد اين دو فرزند را براي تو جمع نخواهد كرد و يكي را از تو باز خواهد گرفت اينك بينديش و هر كدام را خواهي اختيار كن پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهبر چهره حسين و ابراهيم نگريست و فرمود: اگر حسين وفات كند از مفارقت او دل من و علي و فاطمه هر سه خواهد سوخت ولي اگر ابراهيم وفات يافت اكثردرد و حزن نصيب من خواهد شد و انتقال ابراهيم را قبول نمود و او را فداي حسين كرد و پس از سه روز ابراهيم مريض شد و وفات يافت

حسين و لباس‌هاي مختلف‌

لباس معرف فرد و اجتماع است و با لباس مي‌توان افراد و قبايل و ملل را از هم تشخيص داد. سادگي و بي‌آلايشي لباس نمونه سادگي و بي‌آلايشي روح است در روايتي مجلسي نقل مي‌كند كه در روز عيد حسنين لباس رنگارنگ تن كودكان مردم ديدند و از جدشان لباس خواستند، جبرئيل لباس حرير سفيد آورد و آن گاه آنان لباس رنگين خواستند. طشتي آوردند جبرئيل آب ريخت و لباس حسن سبز و لباس حسين سرخ شد در اين موقع حسين پنج ساله بود.حسين عليه‌السلامداراي لباس‌هاي بهشتي بود؛ يعني لباس مخصوص پيغمبر از تافته‌هاي نرم بود كه فاطمه عليهما‌السلام تهيه كرده بود و بر او مي‌پوشانيد و مي‌فرمود لباس‌بهشتي است حسين در بزرگي لباسش همانند لباس پيغمبر و پدرش علي بوده عمامه تيره‌رنگ پيراهن سفيد، نعلين يماني انگشتر عقيق در دست داشت و ابن زياد براي وارد شدن به كوفه همين حيله را كرد كه لباسي مانند لباس حسين پوشيد و نقاب بر او انداخت تا كسي او را نشناسد و آن گاه وارد دارالاماره شد.

## چند روايت در مورد حسنين‌

«سئل رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآلهايما اهل بيتك احب اليك قال صلى‌الله‌عليه‌وآلهالحسن و الحسين از پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهپرسيدند كدام يك از اهل بيت خود را بيشتر دوست داري فرمود:حسن و حسين را.شيخ طوسي از حديفه نقل مي‌كند كه پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: فرشته‌اي بر من نازل شد كه تا آن وقت به زمين نيامده بود. سلام كرد «و ابشرني ان ابنتي فاطمه سيدة نساء اهل‌الجنه و ان الحسن و الحسين سيدا شباب اهل الجنة .شيخ طبرسي نقل مي‌كند كه پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: روز قيامت عرش خدا را به نور حق زينت مي‌كنند. حسن طرف راست و حسين طرف چپ عرش قرار خواهند گرفت و در روايتي ديگر درباره علي فاطمه و حسن و حسين فرمود: هر كس با آنان جنگ آورد، من با او به جنگ مي‌خيزم و هر آن كه تسليم آنها شود، من با او سر آشتي‌دارم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهدست حسنين را گرفت و فرمود: هر كه من و اين دو پسر و پدر آنها را دوست دارد، روز قيامت در صف من قرار خواهد گرفت عايشه روايت كرده يك روز صبح حسن و حسين و فاطمه و علي عليه‌السلامدر زير عباي پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهجمع شدند. آن گاه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً).علاقه رسول خدا به اين دو فرزند، بر همه اصحاب آشكار بوده و همانطور كه درباره امام حسين عليه‌السلامگذشت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهمي‌كوشيد تا مردم را از علاقه خود به اين دو امام آگاه كرده و حتي مي‌فرمود: خدايا دوست بدار كسي كه آنها را دوست بدارد: «من احبني فليحب هذين ، و فرمود: «من أحب الحسن والحسين فقد أحبني و من أبغضهما فقد ابغضني آن حضرت درباره اين دو برادر فرمود: هما ريحاني من الدنيا»، درباره امام‌حسين عليه‌السلامفضايل اختصاصي نيز آمده است كه يكي از مشهورترين آنها، روايت «حسين مني و أنا من حسين است يحيي ابن سالم موصلي كه از غلامان امام حسين عليه‌السلامبود، مي‌گويد: با امام در حركت بوديم به خانه رسيدند و آب طلبيدند. كنيزي با قدحي پر از آب بيرون آمد. امام‌پيش از خوردن آب «فضه‌اي را درآورده به او دادند و فرمودند: اين را به اهلت بسيار، آن‌گاه به نوشيدن آب پرداختند.از امام باقر عليه‌السلامروايت شده است كه امام حسين عليه‌السلامدر سفر حج پياده حركت مي‌كرد، در حالي كه چهار پايان او پشت سر او حركت مي‌كردند.نقل يك روايت هم در اخلاق امام حسين عليه‌السلاممناسب مي‌نمايد. ابن ابي الدنيا نقل كرده است كه امام حسين عليه‌السلامبر گروهي از فقيران عبور مي‌كرد كه سفره شان پهن بود و غذايي فقيرانه داشتند. وقتي امام را ديدند، حضرت را دعوت كردند. آن حضرت پياده شد و فرمود: (ان الله لا يحب المستكبرين آن گاه نشست و با آنها غذا خورد. پس از آن فرمود: شما دعوت كرديد، من پيذرفتم اكنون من شما را دعوت مي‌كنم بايد بپذيريد. پس از آن به رباب گفت تا هر چه آماده كرده بياورد تا با هم بخورند.اشتغال حسن و حسين عليه‌السلامدر حضور پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهبه بازي‌هاي كشتي خط نويسي و «لعب المداحي چاله بازي با ريگ و گودال و خاك و مسابقه اسب سواري و تير اندازي و سبقت در نماز و وضو و غيره بوده است سلمان فارسي روايت مي‌كند كه ديدم حسين در دامان پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهبود و مي‌فرمود: تو سيد فرزند سيدي و پدر ساداتي تو امام فرزند امام و پدر ائمه هستي تو حجت فرزند حجت و پدر حجج خدايي نُه تن از نسل تو حجت خدا هستند و نهمين آنها قائم ايشان است

## خصال و مكارم اخلاق سيدالشهداء از زبان رسالت‌

شيخ صدوق در امالي از حديفه اليمان روايت مي‌كند كه ديدم رسول خدا دست حسين را گرفته و فرمود: يا ايها الناس هذا الحسين بن علي فاعرفوه فوالذي نفسي بيده‌انه لفي الجنة و محبيه في الجنه و محبي محبيه في الجنة .اي گروه مردم اين است حسين پسر علي بن ابيطالب او را بشناسيد. قسم به خدايي كه جان من بدست اوست حسين در بهشت است دوستان حسين در بهشت اند و دوستان‌ِ دوستان او نيز در بهشت خواهند بود.

## نماز گزاردن حسين بر پدر و برادر و خواهرش‌

طبري در تاريخ كبير مي‌نويسد: چون اميرالمؤمنين عليه‌السلاماز جهان درگذشت حسن و حسين و عبدالله بن جعفر عامل غسل و كفن و دفن او شدند و او را در پارچه‌اي كفن‌كرده دفن نمودند و بر او نماز خواندند و حسن عليه‌السلامنُه تكبير بر جنازه پدر گفت

## حسين و حج خانه خدا

مورد اتفاق مورخان است كه حضرت حسين عليه‌السلامبيست و پنج سفر پياده از مدينه به‌مكه براي حج رفته است يعني در مدت عمر، كه بيشتر سنوات آخر زندگي آن حضرت بوده بيست و پنج بار به خانه خدا رفته است

## حسين و كمك به مستمندان و صفات ممتاز ايشان‌

باري حسين بن علي عليه‌السلامظروف چوبي و قدح از پوست كدو داشته‌اند كه در آن غذا مي‌خوردند.آن حضرت داراي اين صفات ممتاز بوده مهمان را گرامي مي‌داشت سائل را محروم نمي‌كرد و آنقدر مي‌داد كه بي‌نياز مي‌شد. صله ارحام مي‌نموده و به تمام ارحام مقرري مي‌داد تا بي‌نياز گردند. با فقرا مجالست و معاشرت داشت و به درد دل آنها مي‌رسيد. پياده‌ها را سوار مي‌كرد. ارباب حوائج را به حاجت خود مي‌رسانيد. برهنه‌ها را مي‌پوشانيد. گرسنه‌ها را سير مي‌كرد. قرض مقروضين را ادا مي‌نمود. پشتيبان ضعفا بود.دوست و شفيق ايتام بود. محتاجان را ضمانت و اعانت مي‌كرد. هر مالي كه براي او مي‌رسيد يك جا به سائل مي‌داد تا ديگر گدايي نكند.امام حسين عليه‌السلامبه سائلي كه از راه دور سراغ خانه كريم آمده بود، از پشت در چهار هزار درهم يا دينار داد و از اين كه اندك است عذر خواست با اين اخلاق و بخشش حسين عليه‌السلامتمام فاميل و اقارب و عشيره و همسايگان و اهل مدينه و قبايل بدوي و ارباب حوائج دور دست را فريفته ملكات اخلاقي خود نمود.در زير آسمان مردي شجاع‌تر از حسين نبود، زيرا شرايط ابراز شجاعت در مواقع ابراز شجاعت‌ِ پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهو علي عليه‌السلام چنان نبود كه در جنگ حسين عليه‌السلام موجود بود.

## حسين و شرافت‌

امام حسين عليه‌السلامفطرتاً شريف بوده زيرا براي نجات ملت اسلام از هلاكت اضمحلال و مرگ هميشگي قيام كرد و با بيان حق و حقيقت معاني شرف و شرافت را درخلال مسافرت خود براي مردم ترجمه كرد و اگر حسين عليه‌السلامبا كردار و گفتار خود شرف را معنا نكرده بود، بسياري ديگر از الفاظ واقعاً و در حقيت بدون معنا در ابهام مي‌ماندند!حسين بود كه شرافت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآلهو آل محمد را روشن كرد و با فداكاري و سعي و عمل خاندانش را در نجات بشر و هدايت و ارشاد جامعه با منطق عملي مبرهن و ثابت نمود و خطر بزرگي كه داشت مسلمين و اسلام را تهديد به مرگ مي‌كرد، به شرافت نفس خود برطرف فرمود. اقتدار و عظمت و شرافت را براي پيروان اسلام ثابت كرد و درخشان‌ترين مظاهر صفات فاضله را كه به شرافت ترجمه مي‌شود، بر مردم بيان فرمود و مليت اسلام را جاويدان فرمود.بزرگي به مردم و آزادگي است نه از مال و جاه و ملك زادگي است‌زخوي نكو مرد يابد شرف نه از پرتو و دودمان سلف‌كه هر نيك و بد زاده آدمند زخوي نكو با شرف مردمند

## حسين و صبر و شكيبايي‌

صبر وحوصله حسين به قدري بود كه جبرئيل درباره صبر و عطش او گفت : آسمان‌از صبرش انگشت حيرت به دندان مي‌گزد او آنقدر صبر مي‌كند كه پوست بدن اطفالش از تشنگي به هم جمع مي‌شود و لب هايش از رطوبت خالي و خشك مي‌گردد و باز هم به دشمن نفرين نمي‌كند، بلكه آنان را به دعا هدايت مي‌فرمايد و مي‌گويد: خداوندا اين قوم را هدايت فرما. «صغيرهم يميته العطش و كبيرهم جلده منكمش .مورخان نوشته‌اند: به قدري صبر حسين در مصيبت با اهميت و با عظمت بود كه در روي كره زمين مصيبتي چون مصيبت او رخ نداده و بزرگ‌ترين آثار مصيبت او صبر حسين است

## حسين و علم و دانش‌

امام حسين عليه‌السلامدر دانش وارث مقام نبوت و مكان امانت و ولايت و عصمت و طهارت بوده علوم و دانش را از لسان وحي فرا گرفته و آنچه هم اخذ كرده به مرتبه علم اليقين او رسيده و لذا هرچه علما و فضلاي مكتب اسلام مانند: ابن عباس و محمد حنفيه و.. خواستند حسين را از رأي خود منحرف كنند، چون علم اليقين در كار خود داشت مانند كوه پا برجا و استوار بر اجراء نقشه خود بود. انديشه امام حسين مانند ساعت منظم كار مي‌كرد و هيچ حادثه‌اي او را متزلزل نمي‌ساخت حسين عليه‌السلاماز نظر روحي و جسمي شبيه پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهمي‌باشد.بزرگ آيينه‌اي بود در برابر حق كه هر چه بود سراپا در اوست عكس‌پذير

## مراحل زندگي حسين بن علي‌

حسين بن علي عليه‌السلاممدت شش سال از دوران كودكي خود را در زمان جد بزرگوارخود سپري كرد و پس از رحلت آن حضرت مدت سي سال در كنار پدرش اميرالمؤمنين عليه‌السلامزندگي كرد و در حوادث مهم دوران خلافت ايشان به صورت فعال شركت داشت امام حسين عليه‌السلامدر جنگ‌هاي جمل صفين و نهروان حضور داشت و دركنار پدر به جنگ با پيمان شكنان و ظالمان پرداخت از آن حضرت خطبه‌اي از جنگ صفين نقل شده است كه ضمن آن مردم را به جنگ ترغيب مي‌كردند.امام حسين عليه‌السلامدر مراحل مقدماتي صفين در گرفتن مسير آب از دست شاميان نقش داشت امام علي عليه‌السلامپس از آن پيروزي فرمود: «هذا اول فتح ببركة الحسين عليه‌السلامزماني عبيدالله بن عمر در صفين امام را صدا كرد و گفت كه پدر تو قريش را چنين و چنان كرده است امام او را متهم به پيروي از قاسطين كرده و فرمودند كه اينان به زوراسلام را قبول كرده‌اند، اما در اصل مسلمان نشده‌اند.پس از شهادت اميرمؤمنان عليه‌السلام(در سال چهلم هجري مدت ده سال در صحنه‌سياسي و اجتماعي در كنار برادر بزرگ خود حسن بن علي عليه‌السلامقرار داشت و پس ازشهادت امام حسن عليه‌السلام(در سال پنجاه هجري به مدت ده سال در اوج قدرت معاوية بن ابي سفيان بارها با وي پنجه در افكند و پس از مرگ وي نيز در برابر حكومت پسرش يزيد قيام كرد و در محرم سال 61 هجري در كربلا به شهادت رسيد.امام حسين عليه‌السلامدر دوره امامت برادرش از سياست وي دفاع مي‌كرد. آن حضرت‌در برابر درخواست‌هاي مكرر مردم عراق براي آمدن آن حضرت به كوفه حتي پس ازشهادت برادرش حاضر به قبول رأي آنها نشده و فرمودند: تاوقتي معاويه زنده است نبايد دست به اقدامي زد. معناي اين سخن آن بود كه امام در فاصله ده سال به اجبار حكومت معاويه را تحمل كردند. اين نكته مهمي در مواضع سياسي امام حسين عليه‌السلاماست كه كمتر مورد توجه قرار گرفته است دليلش نيز آن است كه ما، امام حسين عليه‌السلامرا بيشتر از زاويه اقدام انقلابي‌اش در كربلا مي‌شناسيم مناسبات امام و معاويه و گفتگوهايي كه در مواقع مختلف صورت گرفته نشان از تسليم ناپذيري امام از لحاظ سياسي در برابر پذيرش مشروعيت قطعي معاويه است يكي از مهمترين دلايل نامه مفصل امام به معاويه است كه ضمن آن به حقايق زيادي درباره جنايات معاويه در حق شيعيان امام علي عليه‌السلاماشاره شده است امام در اين نامه به معاويه نوشتند: من قصد جنگ و مخالفت با تو ندارم و...در جاي ديگري نيز بلاذري خلاصه نامه را ذكر كرده كه يك جمله اضافه دارد. در آنجا آورده كه امام به معاويه نوشتند: «و ما أعلم فتنه أعظم من ولايتك هذه الامة .يعني من فتنه‌اي سهمگين‌تر از حكومت تو بر اين امت سراغ ندارم بعدها، وقتي معاويه رو در رو با حسين بن علي عليه‌السلامقرار گرفت به او گفت آيا شنيدي ما بر سر حجر و اصحاب و شيعيان پدرت چه آورديم امام فرمود چه كرديد؟ معاويه گفت آنها را كشتيم كفن كرديم نماز بر آنان خوانديم و دفن كرديم امام فرمود: اما اگر ما ياران تو را بكشيم نه آنها را كفن مي‌كنيم و نه بر آنها نماز مي‌خوانيم و نه دفن مي‌كنيم آخرين بخش زندگاني امام حسين يعني دوران امامت آن حضرت مهمترين بخش زندگي او به شمار مي‌رود.

## مبارزات حسين بن علي در دوران قبل از امامت‌

حسين بن علي عليه‌السلاماز دوران نوجواني كه شاهد انحراف دستگاه حكومت اسلامي از مسير اصلي خود بود، از موضعگيري‌هاي سياسي پدر خود پيروي و حمايت مي‌كرد؛چنان كه در زمان خلافت عمر بن خطاب روزي وارد مسجد شد و ديد عمر بر فراز منبر نشسته است با ديدن اين صحنه بالاي منبر رفت و به عمر گفت از منبر پدرم پايين بيا و بالاي منبر پدرت برو!عمر كه قافيه را باخته بود، گفت پدرم منبر نداشت آن گاه او را در كنار خود نشانيد و پس از آن كه از منبر پايين آمد، او را به منزل خود برد و پرسيد: اين سخن را چه كسي به تو ياد داده است او پاسخ داد: هيچ كس

## در جبهه‌هاي نبرد با ناكثين و قاسطين‌

حسين بن علي عليه‌السلام در دوران خلافت پدرش امير مؤمنان عليه‌السلامدر صحنه‌هاي سياسي و نظامي در كنار آن حضرت قرار داشت او در هر سه جنگي كه در اين دوران براي پدر ارجمندش پيش آمد، شركت فعال داشت در جنگ جمل فرماندهي جناح چپ سپاه اميرمؤمنان عليه‌السلامبه عهده وي بود و در جنگ صفين چه از راه سخنراني‌هاي پرشور و تشويق ياران علي عليه‌السلامبراي شركت در جنگ و چه از رهگذر پيكار با قاسطين نقشي فعال داشت در جريان حكميت نيز يكي از شهود اين ماجرا، از طرف علي عليه‌السلامبود.حسين بن علي عليه‌السلامپس از شهادت علي عليه‌السلامدر كنار برادر خويش رهبر و پيشواي وقت حسن بن علي عليه‌السلامقرار گرفت و هنگام حركت نيروهاي امام مجتبي عليه‌السلامبه سمت شام همراه آن حضرت در صحنه‌هاي نظامي و پيشروي به سوي سپاه شام حضور داشت و هنگامي كه معاويه به امام حسن عليه‌السلامپيشنهاد صلح كرد، امام حسن او و عبدالله بن‌جعفر را فرا خواند و درباره اين پيشنهاد، با آن دو به گفتگو پرداخت و بالاخره پس از متاركه جنگ و انعقاد پيمان صلح همراه برادرش به شهر مدينه بازگشت و همانجا اقامت‌گزيد.

## اوضاع سياسي و اجتماعي دوران امامت حسين‌

در زمان امام حسين عليه‌السلامانحراف از اصول و موازين اسلامي كه از «سقيفه شروع شده و در زمان عثمان گسترش يافته بود، به اوج خود رسيده بود، در آن زمان معاويه كه سالها از سوي خليفه دوم و سوم بعنوان استاندار در منطقه شام حكومت كرده و موقعيت خود را كاملاً تثبيت كرده بود، به نام خليفه مسلمين سرنوشت و مقدرات كشور اسلامي رادر دست گرفته حزب ضد اسلامي اموي را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به كمك عمال ستمگر و يغماگر خود مانند: زياد بن ابيه عمرو بن عاص و... حكومت سلطنتي استبدادي تشكيل داده و چهره اسلام را وارونه ساخته بود.معاويه از يك سو، سياست فشار سياسي و اقتصادي را در مورد مسلمانان آزاده و راستين اعمال مي‌كرد و با كشتار، قتل شكنجه و آزار و تحميل فقر و گرسنگي بر آنان از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگيري مي‌كرد و از سوي ديگر، با احياي تبعيض‌هاي نژادي و رقابت‌هاي قبيله‌اي در ميان قبائل آنان را به جان هم مي‌انداخت و از اين رهگذر نيروي آنان را تضعيف مي‌كرد تا خطري از ناحيه آنان متوجه حكومت وي نگردد، و از سوي سوم به كمك عوامل مزدور خود با جعل حديث و تفسير و تأويل آيات قرآن به نفع خود، افكار عمومي را تخدير كرده و به حكومت خودش وجهه مشروع و مقبول مي‌بخشيد. اين سياست ضد اسلامي به اضافه عوامل ديگري همچون ترويج فرقه‌هاي باطل نظير: جبريه و مرجئه كه از نظر عقيدتي با سياست معاويه همسو بودند،آثار شوم و مرگباري در جامعه بوجود آورده و سكوت تلخ و ذلت باري را بر جامعه حكمفرما ساخته بود.

## حسين و وفاداري در پيمان معاويه‌

حسين عليه‌السلاممثل اعلاي فضيلت و كمال و ارشاد و هدايت بود. او در همه حال مصالح عمومي را بر منافع شخصي ترجيح مي‌داد و دل نگران جامعه بود و در فكر استفاده شخصي نبود، بلكه همواره براي ملت اسلام و براي واژگون كردن نظام امويان تلاش كرد.حسين با معاويه در صلح امام حسن پيمان بست كه قيام نكند و با آنكه معاويه به شرايط صلح عمل نكرد، حسين بن علي عليه‌السلامراضي نشد شخصيت خود را با نقض عهد و پيمان شكني مانند معاويه خدشه‌دار نمايد، لذا در پيمان با معاويه پايدار بود. هيچ كس ننوشته حسين در تمام عمرش يك دفعه پيمان شكني كرده باشد.شيخ مفيد مي‌نويسد: وقتي امام حسن عليه‌السلامدرگذشت مردم كوفه و شيعيان علي عليه‌السلاماز اطراف نامه نوشتند كه حاضرند معاويه را خلع كرده و با او بيعت كنند ولي حسين بن علي عليه‌السلامقبول نكرد و فرمودند: «ميان من و معاويه عهديست كه وجدان من اجازه نمي‌دهد، نقض عهد كنم بنابراين تا معاويه زنده است من بر عهد خود پايدارم و چون او در گذرد من درباره تصميم خود تجديد نظر خواهم نمود.»

## مخالفت حسين با معاويه در بيعت يزيد

ابن كثير شامي مي‌نويسد: معاويه در سال پنجاه و سه هجري از مردم براي يزيد بيعت گرفت حسين عليه‌السلاماز كساني بود كه با او مخالفت كرد و حاضر به بيعت نشد و اهل كوفه در اين امر براي حسين عليه‌السلامنامه نوشته كسب تكليف نمودند و اصرار داشتند كه حسين به كوفه رود تا با او بيعت كنند و به معاويه بفهمانند كه حاضر به قبول خلافت يزيد نخواهند بود و جمعي بسيار هم براي اين كار به مدينه آمدند كه شايد حسين را به بيعت راضي كنند كه اقلا پس از معاويه قبول زمامداري كند. چنانكه پدرش پس از عثمان تقاضاي مردم را قبول كرد.ولي ابي عبدالله به آنان جواب منفي داد؛ زيرا نمي‌خواست نقض عهد كند و تا معاويه زنده است اختلاف و اغتشاش بر پا سازد. محمد حنفيه و ابو سعيد خدري و مسيب بن نجيبه فرازي نيز اصرار داشتند ولي امام حسين عليه‌السلامآنها را قانع به صبر و بردباري كرد و فرمود در انتظار آينده باشيد.امام حسين عليه‌السلامدر تحولات اجتماعي و دعوت‌هاي متوالي در اين ده سال بسيار سياست روشني را تعقيب كرد و با مردم با كمال تدبير عمل نموده و همه را به آينده‌اي پرغوغا توجه داد.دربار يزيد مركز انواع فساد و گناه شده بود و بي‌ديني دربار او در جامعه چنان گسترش يافته بود كه در دوران حكومت كوتاهش حتي محيط مقدسي همچون «مكه و«مدينه نيز آلوده شده بود. يزيد سرانجام جان خود را در راه هوسراني از دست داد و افراط در شرابخواري سبب مسموميت و مرگ وي گرديد.او بيش از چهار سال پس از فاجعه عاشورا زنده نماند، اما اين ننگ و رسوايي را براي ابد براي خاندان بني اميه به ارث گذاشت به طوري كه هر يك از خلفاي اموي اندكي عقل و درايت داشتند از تكرار كارهاي يزيد پرهيز مي‌كردند.شواهد و مدارك فساد و آلودگي يزيد و زندگي ننگين و حكومت پليد وي به قدري زياد است كه طرح آنها از حدود اين بحث فشرده خارج است

## پيام آوران قيام كربلا

هر قيام و نهضتي از دو بخش «خون و «پيام تشكيل مي‌گردد. مقصود از بخش خون مبارزات خونين و قيام مسلحانه است كه مسلتزم كشتن و كشته شدن و جانبازي در راه آرمان مقدس است مقصود از بخش پيام نيز، رساندن و ابلاغ پيام انقلاب و بيان آرمان‌ها و اهداف آن است در پيروزي يك انقلاب اهميت بخش دوم كمتر از بخش اول نيست زيرا اگر اهداف و آرمان‌هاي يك انقلاب در سطح جامعه تبيين نشود، انقلاب از حمايت و پشتيباني مردم برخوردار نمي‌گردد و كانون اصلي بدست فراموشي سپرده مي‌شود، و چه بسا گرفتار تحريف‌ها و دگرگوني‌ها مي‌شود.با بررسي قيام مقدس امام حسين عليه‌السلاماين دو بخش كاملاً در آن به چشم مي‌خورد؛زيرا انقلاب امام حسين عليه‌السلامتا عصر عاشورا مظهر بخش اول يعني بخش خون و شهادت و ايثار خون بود و رهبر و پرچمدار آن نيز خود حسين عليه‌السلامبود در حالي كه بخش دوم آن از عصر عاشورا آغاز گرديد و پرچمدار آن امام زين العابدين و زينب كبري عليه‌السلامبودند كه پيام انقلاب و شهادت سرخ آن حضرت و يارانش را با سخنان آتشين خود به اطلاع افكار عمومي رساندند و طبل رسوايي حكومت پليد اموي را به صدا درآوردند.با توجه به تبليغات بسيار گسترده و دامنه داري كه حكومت اموي از زمان معاويه به بعد بر ضد اهل بيت (به ويژه در منطقه شام در راه انداخته بود، بي‌شك اگر بازماندگان حسين عليه‌السلامبه افشاگري و بيدارسازي نمي‌پرداختند، دشمنان اسلام و مزدوران قدرت‌هاي وقت قيام و نهضت بزرگ و جاويدان آن حضرت را در طول تاريخ لوث مي‌كردند و چهره آن را وارونه نشان مي‌دادند.

## آثار سياسي رخداد كربلا در شيعه‌

واقعه كربلا از حوادث تعيين كننده در جريان تكوين شيعه در تاريخ است مي‌دانيم كه مباني تشيع به ويژه اساسي‌ترين آنها در اصل آن يعني امامت در قرآن و سنت يافت مي‌شود. اما جدايي تاريخي شيعه از ديگر گروه‌هاي موجود در جامعه به تدريج صورت گرفته است سنت و انديشه‌اي كه از دوره خلافت امام علي عليه‌السلامبه يادگارماند، تا حدودي به شيعه از لحاظ فكري انسجام بخشيد. حمايت امويان از اسلام ساخته خودشان كه سياست گزاري‌هاي معاويه اجازه نداده بود، ماهيت و فاصله آن با اسلام‌واقعي آشكار شود، در جريان به خلافت رسيدن يزيد وضوح بيشتري يافت در حادثه كربلا جدايي تاريخ شيعه از ساير گروه‌هايي كه تحت تأثير اسلام مورد حمايت امويان بودند. قطعي شد. از آن پس تشخيص و تشخص شيعه از ديگر گروه‌ها ـ گروهي كه از سنت و سيره علي و جانشيان او پيروي مي‌كردند ـ كاملاً ممكن بود.در ميان شيعيان گروهي از هر حيث تابع ائمه بوده و آنها را وصي پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهو منتخب او مي‌دانستند. از سوي ديگر گروه‌هايي از مردم عراق و بعضي مناطق ديگر تنها برتري علويان را بر امويان در نظر داشته و تشيع آنها در همين حد بود. افرادي كه در كربلا در كنار امام حسين عليه‌السلامدر شهادت رسيدند، از شيعياني بودند كه امامت را تنها حق علي عليه‌السلامو فرزندانش مي‌دانستند. خود امام عليه‌السلامدر موارد متعددي از مردم خواست تا حق را به اهلش بسپارند و او را ياري كنند، زيرا امويان غاصب اين حق هستند.

## حكمت شهادت امام حسين‌

جنبش كربلا به عنوان يك نهضت مقدس مذهبي و يك حركت سياسي از نوع انقلابي آن پايدارترين جنبش در فرهنگ سياسي شيعه است اين جنبش نهضتي براي احياي احكام دين زدودن انحرافات ديني و سياسي و جايگزين كردن حكومتي علوي به جاي نظام اموي بوده است جنبش كربلا از زاويه دستيابي به اهداف خود حاوي نوعي شكست و نوعي پيروزي بود. شكست سياسي با توجه به پذيرفتن اين كه هدف سرنگوني حكومت اموي و ايجاد دولتي علوي بوده است پيروزي معنوي به دليل تحكيم آرمان‌هاي معنوي اصيل و ديني در جامعه اسلامي اگر كسي سرنگوني حكومت اموي رادر شمار اهداف امام حسين عليه‌السلامنياورد، شايد شكست سياسي را هم نپذيرد.حقيقت آن است كه جنبش كربلا را بايد آخرين تلاش سياسي ممكن براي بازگرداندن حكومت به آل علي عليه‌السلامتلقي كرد. كوچكترين ترديدي وجود ندارد كه امام علي عليه‌السلامحق خويش را پس از رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآلهاز دست رفته مي‌ديد، اما به دلايلي سكوت كرد. پس از عمر، انتظار آن را داشت تا حق به حق‌دار بازگردد. در اين باره خود و شيعيانش نظير مقداد و عمار تلاش كردند، اما اين تلاش‌ها به جايي نرسيد. پس از آن دردوره عثمان امام چنين احساس كرد كه در شرايط جديد، رهبري جامعه چشم اندازموفقي ندارد، با اين حال اصرار مردم او را اميدوار كرد. اين اميد در طي چهارسال و نه ماه اقدامات سخت‌ِ امام براي رهبري صحيح بر باد رفت تلاش محدود و نوميدانه امام‌حسن عليه‌السلامهم به سرعت در هم شكسته شد. اكنون بايد انتظار بيست ساله‌اي تا مرگ معاويه مطرح مي‌شد. امام حسين عليه‌السلاماين مدت را صبر كرد، گرچه در اين مدت اعتراضاتي بر معاويه در زمينه‌هاي سياسي به ويژه قتل برخي شيعيان داشت در سالهاي آخر حيات ننگين معاويه سخن از ولايت عهدي يزيد به ميان آمد،امام حسين عليه‌السلاممخالفت كرد، اما چندان اميدي نبود. با اين حال امام در مقام امامت نمي‌توانست تحمل كند.با روي كار آمدن يزيد، امام از روي اعتراض به مكه آمد. اينجا بود كه روزنه اميدي از سمت شرق گشوده شد. عراق چند بار تجربه ناميموني را پشت سر گذاشته بود، اما چه مي‌شد كرد. اگر قرار بود اقدامي صورت گيرد، نه در شام و حجاز بلكه فقط در عراق ممكن بود. آيا ممكن بود كه يك بار ديگر به كمك مسلمانان عراق كه شيعيان در آن بودند،حكومت اموي را سرنگون كرد و دولت علوي را برپا نمود؟ ظاهر امر، يعني حمايت‌هاي گسترده‌اي كه خبر آنها به امام رسيد، اين امر را تا اندازه‌اي تأييد مي‌كرد. امام فرصت را از دست نداد اما وقتي به كوفه نزديك شد، اوضاع دگرگون شده بود. او در برابر سپاه ابن زياد قرار گرفت سخن از تسليم شدن و بيعت با يزيد بود. امام نپذيرفت نتيجه آن شد كه همراه ياران محدودش در كربلا به شهادت رسيد.علامه مجلسي مي‌نويسد:و بايد دانست كه مذلت‌هاي دنيا موجب مزيد عزت ايشان است و دوست خدا به اينها ذليل نمي‌گردد. آنها كه خواستند ايشان را ذليل گردانند، اكنون نام ايشان به غير از لعن و نفرين در زمين مذكور نمي‌شود و نسل‌هاي ايشان منقرض شدند و نشاني از قبرهاي ايشان نيست و حق تعالي نام آن بزرگواران را بلند گردانيده و علوم و كمالات ايشان عالم را فرا گرفته و دوست و دشمن بر ايشان در نماز و غير نماز صلوات مي‌فرستند و به شفاعت ايشان دردرگاه خدا حاجت مي‌طلبند، و رئوس منابر و مناره‌ها را و وجوه دنانير و دراهم را به نام نامي ايشان مزين مي‌گردانند، و پادشاهان روي زمين وسلاطين باتمكين به طوع و رغبت از روي اخلاص روي بر خاك آستان ايشان مي‌مالند، و هر روز چندين هزار كس به بركت زيارت ايشان مغفور مي‌گردند، چندين هزار كس به بركت لعنت بر دشمنان ايشان مستحق بهشت مي‌گردند، و چندين هزار كس از بركت گريستن بر ايشان و محزون گرديدن از مصائب ايشان صحيفه سيئات خود را از لوث گناه‌مي‌شويند، و چندين هزار كس به بركت اخبار و نشر آثار ايشان به سعادات ابدي فايز مي‌گردند، و چندين هزار كس به بركت احاديث ايشان به درجه معرفت و يقين مي‌رسند، و چندين هزار كس به متابعت آثار ايشان و اقتداي به سنت ايشان به مكارم اخلاق و محاسن آداب محلي مي‌گردند، و چندين هزار كور ظاهر و باطن در روضات مقدسات ايشان شفا مي‌يابند و آلاف و الوف از مبتلاي به بلاهاي جسماني و روحاني از دارالشفاي بيوت رفيعه و علوم منيعه ايشان صحت مي‌يابند.

## سخن آخر

زندگاني پنجاه وهفت ساله حسين عليه‌السلامقدم به قدم اعجاز انگيز بوده از مولود و ميلاد، از شيرخوارگي و كودكي از شباب و جواني از شجاعت و شهامت از جود و بخشش از وفا و صداقت از حفظ ناموس و احترام قانون از حمايت مظلوم و خصم ظالم از عبادت و فضيلت از مسافرت و معاشرت و حتي شهادتش همه حيرت‌آور است راستي اين چه رازي است كه پاكان تاريخ عموماً مظلومان تاريخ هستند؟ گويا اين يك سنت تاريخي است كه مظلومان تلخي ستم را بر خود هموار كنند، و آوارگي را بپذيرند، تا بتوانند مظلومان را نصرت و آوارگان بشري را به سامان برسانند.

## نتيجه گيري‌

حسين بن علي از جهات فضيلت و كمال اخلاقي بر همه كس برتري داشته است حسين عليه‌السلاماز جهت امامت و ولايت با پدر و برادرش در يك سطح قرار داشته‌اند و ساير ائمه هدي هم در همان صف بوده‌اند، ولي هر يك از آنها در بروز خصال و مكارم‌شخصي يك اهميت و مزيت خاصي داشته‌اند و از ميان همه آنها حسين ويژگي خاصي‌دارد، زيرا او مكتب تربيتي خاصي گشود و در مكتب عملي خود درس فضيلت و اخلاق داد و روش اخلاقي او و پرورش تربيتي او چنان بود كه پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهو علي عليه‌السلامو خلفا و اصحاب‌همه در اكرام و احترام او تأكيد و مبالغه داشتند و حتي معاويه كه رقيب سرسخت او و پدرش برادرش بود در حضور و غياب به حسين نهايت احترام را مي‌كرد و اعتراف به مقام و فضيلت او مي‌نمود.امام حسين سرباز با شخصيت و فداكار اسلام بودكه درس آزادي و فداكاري و مجدو عظمت به مسلمين آموخت و درصورت و سيرت بي‌نظير و ممتاز بود، و بايد همه زندگاني امام حسين را همچون مشعل فروزان الگو و پيشرو همه جانبه راه زندگاني خود قرار دهند.اي كه مأيوس از همه سويي به سوي عشق رو كن قبله دل هاست اين دل هرچه خواهي آرزو كن‌در آتش خشم ايزدي سوخته كيست هر كس كه نمود قصد آزار حسين

## چكيده‌

اِن‌َّ الحُسين‌َ مِصْباح‌ُ هدي و سَفينَة‌ُ نَجاة‌ِتاريخ گذشته تومار بازي است در برابر تومار بسته آينده به وسيله اين تومار باز،بايد بخش بسته را گشود و خطوط حركت آينده را ترسيم كرد، و از زندگاني گذشتگان درس‌هايي فراوان آموخت اين مقاله براساس سرگذشت و زندگاني مقدس سرور و سالار شهيدان امام‌حسين عليه‌السلامتنظيم گرديده و هدف از نوشتن اين مقاله يادآوري و الگو قراردادن زندگاني مبارك ايشان همانند مشعل فروزان در مسير زندگي همه

مي‌باشد.امام حسين عليه‌السلاماز جهات فضيلت و كمال اخلاقي بر همه كس برتري و رجحان داشته است عشق و اراده صبر و فداكاري حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستي درستي عبادت فراست و ذكاوت شجاعت و شهامت آزادي و سعادت فداكاري و گذشت اميدواري و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلك سياست ملي و مظلوميت اجتماعي بر همه كس صراحت دارد كه اگر حسين عليه‌السلامنبود اين كلمات معنا نمي‌شد.حسين عليه‌السلاماز جهت امامت و ولايت با پدر و برادرش در يك سطح قرار داشته‌اند و ساير ائمه هدي هم در همان صف بوده‌اند ولي هر يك از آنها در بروز خصال و مكارم شخصي يك اهميت و مزيت خاصي داشته‌اند و از ميان همه آنها حسين عليه‌السلامويژگي خاصي دارد، زيرا او مكتب تربيتي خاصي گشود و در مكتب عملي خود درس فضيلت و اخلاق داد و روش اخلاقي او و پرورش تربيتي او چنان بود كه پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهو علي عليه‌السلامو خلفا و اصحاب همه در اكرام و احترام او تأكيد و مبالغه داشتند و حتي معاويه كه رقيب‌سرسخت او، پدرش و برادرش بود حضوراً و غياباً نسبت به حسين نهايت احترام مي‌كرد و اعتراف به مقام و فضيلت او مي‌نمود.اي كه مأيوس از همه سوئي به سوي عشق رو كن قبله دلهاست اين دل هر چه خواهي آرزو كن

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| .اي كه مأيوس از همه سوئي به سوي عشق رو كن |  | قبله دلهاست اين دل هر چه خواهي آرزو كن |

فهرست مطالب

[مقدمه‌ 2](#_Toc450555281)

[ميلاد سيدالشهداء 3](#_Toc450555282)

[دوران كودكي سيدالشهداء 5](#_Toc450555283)

[حسين و نسب‌ 6](#_Toc450555284)

[حسين و صورت و سيرت‌ 7](#_Toc450555285)

[حسين بر دوش پيغمبر 8](#_Toc450555286)

[حسين و فدايي شدن ابراهيم‌ 9](#_Toc450555287)

[حسين و لباس‌هاي مختلف 10](#_Toc450555288)

[چند روايت در مورد حسنين‌ 11](#_Toc450555289)

[خصال و مكارم اخلاق سيدالشهداء از زبان رسالت‌ 13](#_Toc450555290)

[نماز گزاردن حسين بر پدر و برادر و خواهرش‌ 14](#_Toc450555291)

[حسين و حج خانه خدا 15](#_Toc450555292)

[حسين و كمك به مستمندان و صفات ممتاز ايشان‌ 16](#_Toc450555293)

[حسين و شرافت‌ 17](#_Toc450555294)

[حسين و صبر و شكيبايي‌ 18](#_Toc450555295)

[حسين و علم و دانش‌ 19](#_Toc450555296)

[مراحل زندگي حسين بن علي‌ 20](#_Toc450555297)

[مبارزات حسين بن علي در دوران قبل از امامت‌ 22](#_Toc450555298)

[در جبهه‌هاي نبرد با ناكثين و قاسطين‌ 23](#_Toc450555299)

[اوضاع سياسي و اجتماعي دوران امامت حسين‌ 24](#_Toc450555300)

[حسين و وفاداري در پيمان معاويه‌ 25](#_Toc450555301)

[مخالفت حسين با معاويه در بيعت يزيد 26](#_Toc450555302)

[پيام آوران قيام كربلا 28](#_Toc450555303)

[آثار سياسي رخداد كربلا در شيعه‌ 29](#_Toc450555304)

[حكمت شهادت امام حسين‌ 30](#_Toc450555305)

[سخن آخر 33](#_Toc450555306)

[نتيجه گيري‌ 34](#_Toc450555307)

[چكيده‌ 35](#_Toc450555308)

[فهرست مطالب 37](#_Toc450555309)